

کنز العرفان فی فقه القرآن

تألیف مقداد بن عبدالله سیوری

محمد حسن ربانی

مقداد بن عبدالله سیوری کیست؟

مؤلف این اثر گران ارج، مقداد بن عبدالله سیوری است. درباره نام مؤلف دو احتمال مطرح شده است. مرحوم خوانساری (۱۳۱۳ق) می نویسد: «سیوری منسوب به سیور است و سیور یکی از روستاهای حله است. این مطلب از پدر شیخ بهایی حسین بن عبدالصمد عاملی (۹۸۴ق) نقل شده است. احتمال دیگری هم در وجه تسمیه وجود دارد که درست نیست. گفته اند سیور منسوب به سیور (جمع سیر) است، و سیر پوست دباغی شده ای است که برای ساخت زین اسب و مانند آن به کار می رود و براساس احتمال دوم گفته اند که یکی از اجداد مقداد، چنین شغلی داشته است»^۱.

۱. روضات الجنات، ج ۷/۱۷۱.

مقداد بن عبدالله سیوری، بعدها به فاضل مقداد شهرت یافت؛ به طوری که هر جا سخن از فاضل مقداد است، مراد همین مقداد بن عبدالله است.

نوشته اند: فاضل مقداد بسیار زیبا روی بود. زبانی فصیح و صدایی بسیار رسا داشت. او متکلم، اصولی، منطقی، نحوی، فقیه، مفسر و صاحب نظر در علوم عقلی و نقلی بود.

کتاب‌های او در هر یک از رشته‌ها، مورد توجه علما و فقها و برخی از آنها کتاب درسی حوزه‌های علمیه بوده است.

فاضل مقداد در فقه و اصول از پیروان فاضلین یعنی محقق حلی (۶۷۵ق) و علامه حلی (۷۲۶ق) است؛ هر چند از شاگردان شهید اول محمد بن کلی عاملی (۷۷۶ق) است.

او در علم فقه صاحب کتاب تنقیح الرائع فی شرح مختصر الشرائع است. این کتاب یکی از مشهورترین شرح‌های المختصر النافع است. علامه آقا بزرگ تهرانی در الذریعه و عبداللطیف کوه کمره‌ای در مقدمه التنقیح الرائع شروح دیگری را بر این کتاب معرفی کرده‌اند.

اولین کسی که به شرح المختصر النافع دست زد، خود مؤلف بود که آن را با عنوان المعتمد شرح کرد. شاگردش حسن بن ابی زینب آبی، دومین شرح را با عنوان کشف الرموز نگاشت. وی از مؤلف در کتاب‌های فقهی با عنوان فاضل آبی یاد کرده است.^۲

کتاب التنقیح الرائع از نظر زمانی سومین کتابی است که به شرح المختصر النافع پرداخته و پس از مدتی کوتاه، احمد بن فهد حلی (۸۴۵ق) دو شرح بر آن نوشته است با عنوان المذهب البارع و المقتصر. مؤلف در این کتاب به

۲. مرد از فاضلین در کتاب‌های فقهی، محقق حلی و علامه حلی است. ولی بعضی از مؤلفین با صفت فاضل معروف‌اند؛ مانند: فاضل آبی؛ فاضل مقداد؛ فاضل جواد (جواد بن اسد الله کاظمی - زنده در ۱۰۴۰ق)؛ صاحب مسالک الافهام؛ فاضل سبزواری (محمد باقر سبزواری (۱۰۹۱ق)؛ فاضل قطیفی صاحب ایضاح النافع.

شیوه‌ای جالب به شرح عبارات محقق پرداخته و در بعضی موارد نکاتی را آورده که در کتاب‌های فقهی پیش از آن یاد نشده. از جمله آرای او در این کتاب، معتبر دانستن مراسیل شیخ طوسی است که این مطلب در کتابی غیر از آن یافت نشده. توضیح این که شیخ طوسی گاه روایاتی را بدون ذکر سند آورده و فرموده: روی عن الصادق (ع)، و در واقع شیخ طوسی این گونه روایات را حجت دانسته است؛ همان طور که وی گاهی در کتاب‌های نهایی و المبسوط شیخ طوسی فتوایی را ذکر کرده و بعد فرموده: «رواه أصحابنا». فاضل مقداد این گونه موارد را هم مثل صورت سابق معتبر می‌داند.

یکی از کتاب‌های فاضل مقداد در کلام، شرح باب حادی عشر است که از کتاب‌های درسی حوزه بوده و بارها از سوی علما شرح شده.

کتاب دیگر شرح نهج‌المسترشدین است که در سال ۷۹۲ق از نوشتن آن فراغت یافت. تألیف دیگر فاضل مقداد کتاب اللوامع اللالیه است.

فاضل مقداد کتاب معروف دیگری به نام نضد القواعد الفقهیه علی مذهب الامامیه دارد. اصل این کتاب، همان کتاب الفوائد و القواعد شهید اول محمد بن مکی عاملی است که شهید در مقدمه آن می‌نویسد: «من اولین کسی هستم که در قواعد فقهیه کتاب نوشتم و نظیر آن تألیف نشده است». فاضل مقداد این کتاب را تنقیح و نگارش جدیدی از آن ارائه کرد و آن را نضد القواعد الفقهیه نامید.

فاضل مقداد در نجف در سال ۸۲۶، روز ۲۶ جمادی الآخر رحلت کرد و در روضه منوره امیرالمؤمنین (ع) دفن شد و به همین جهت به وی نجفی هم می‌گویند.

علامه خوانساری احتمال می‌دهد قبری که در محله شهربان بغداد قرار دارد و به مقبره فاضل معروف است، مقبره همین فاضل مقداد باشد.^۳ البته شریف

۳. روضات الجنات، ج ۷/۱۷۵؛ أمل‌الآمل، ج ۲/۳۲۵؛ تنقیح‌المقال، ج ۳/۲۴۵؛ الذریعه، ج ۱/۱۱۵؛ ریحانة الادب، ج ۴/۲۸۲؛ الفوائد الرضویه، ج ۱/۶۶۶؛ الکنی و الالقاب، ج ۳/۱۰؛ لؤلؤة البحرین، ج ۱/۱۷۲؛ مصفی‌المقال، ج ۱/۴۶۱.



زاده گلپایگانی در مقدمه کتزالعرفان، این وجه را بسیار بعید شمرده است.^۴

آیات الاحکام چیست؟

برخی از آیات قرآن، بیان کننده حکمی فقهی هستند و علمای شیعه و سنی اقدام به شرح و تفسیر این گونه آیات کرده اند. عنوان آیات الاحکام نام تألیفاتی است که عالمان شیعه در این زمینه نگاشته اند؛ مثل آیات الاحکام استرآبادی، و اهل سنت و جماعت این گونه تألیفات را احکام القرآن نامیده اند؛ مانند احکام القرآن جصاص و ابن العربی و کپهراس.

اولین نویسنده آیات الاحکام

به گفته علامه سید حسن صدر (۱۳۵۳ق) در کتاب تأسیس الشیعه اولین مؤلف در باب آیات الاحکام، محمد بن سائب کلبی است. او در تفسیر صاحب نظر و کتاب تفسیری دارد. آرا و نظریات محمد بن سائب در کتاب های تفسیری ذکر می شود. وی در ۱۴۶ق رحلت کرد.

علمای اهل سنت، ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی (۲۰۴ق) را اولین مؤلف در آیات الاحکام می شمارند، ولی آیت الله مرعشی در مقدمه مسالک الافهام می گوید: محمد بن سائب کلبی بر او مقدم است.

ابوبکر بیهقی، صاحب کتاب السنن الکبری، آرا و اقوال شافعی را در آیات الاحکام گردآوری کرده و در مقدمه احکام القرآن شافعی نوشته: شافعی بر همه شافعیان منت دارد، مگر بیهقی که او بر شافعی منت دارد.

مشهورترین کتابهای آیات الاحکام

۱. اولین کتاب آیات الاحکام که از علمای شیعه در دست است، کتاب فقه القرآن راوندی است. این کتاب در دو جلد به چاپ رسیده است. راوندی (م ۵۷۳ق)،

۴. کتزالعرفان، ج ۱/ ۵.

از پیروان شیخ طوسی است و سه شرح بر النهایه نوشته و فتاوی او در فقه القرآن مورد توجه فقها بوده است .

۲. کنز العرفان فی فقه القرآن .

۳. النهایه فی تفسیر الخمسمائه آیه، از عبدالله بحرانی .

۴. زبده البیان فی احکام القرآن، تألیف ملا احمد اردبیلی (۹۹۳ق).

۵. مسالک الافهام الی آیات الاحکام، از فاضل جواد (زنده در ۱۰۴۰ق).

در میان علمای شیعه سه کتاب کنز العرفان، زبده البیان و مسالک الافهام، به ترتیب شهرت خاصی دارند .

۶. تفسیر شاهی .

۷. تفسیر البلابل و القلاقل که به فارسی است .

در پنجاه سال اخیر کتاب های ارزشمندی در آیات الاحکام نوشته شده

است که از آن جمله است :

۱. فقه القرآن، از آیت الله محمد یزدی (دو جلد).

۲. آیات الاحکام، تألیف لاهیجانی امام جمعه لاهیجان که به زبان فارسی

پنج جلد آن به چاپ رسیده نگاشته شده است .

۴. آیات الاحکام، از باقر ایراوانی، (دو جلد).

۵. آیات الاحکام، تألیف استاد کاظم مدیر شانه چی که انتشارات سمت

آن را چاپ کرده است .

۶. آیات الاحکام، نوشته محمد فاکر میبیدی که مقارنه بین آرای شیعه و

سنی است .

تعداد آیات الاحکام

فاضل مقداد سیوری می گوید: در میان علما مشهور است که تعداد آیات احکام

پانصد آیه است، ولی من در کتاب کنز العرفان تمام آیات را آورده و تکراری ها

را حذف کرده ام و تعداد آنها به پانصد آیه نمی رسد .

کسی گمان نکند که ما آیه‌ای را ترک کرده‌ایم؛ هدف آن بوده که

آیات الاحکام بررسی شود، نه این که تعداد آنها زیاد شود.^۵

فاضل تونی (۱۰۷۲ق) در کتاب الوافیه و نیز ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ق) در کتاب مناهج الاصول، یکی از شرایط اجتهاد را احاطه فقیه بر آیات احکام دانسته و گفته‌اند: بنابه اجماع شیعه تعداد آیات الاحکام، پانصد آیه است.

گفتنی است که شیوه بحث از آیات الاحکام، در میان علمای شیعه سنی تفاوت دارد. علمای شیعه به همان سبک کتاب‌های فقهی و به صورت موضوعی از طهارت شروع می‌کنند و تا دیات ادامه می‌دهند و درباره یکایک آیات هر باب بحث می‌کنند؛ همان گونه که در فقه القرآن و کنز‌العرفان این گونه است.

اما معمولاً اهل سنت از اول قرآن شروع می‌کنند و هر جا حکمی از آیات استفاده شود، آن را ذکر می‌کنند. از این رو، به نظر آنان هر آیه‌ای که بتوان از آن مطلبی را درباره فروع استخراج کرد، در شمار آیات الاحکام است.

خصوصیات کتاب کنز‌العرفان

۱. کتاب براساس تفسیر موضوعی است و از کتاب طهارت شروع شده و دیات پایان بخش آن است. قبل از این کتاب، قطب‌الدین راوندی نیز همین سبک را در کتاب فقه القرآن داشته است.

۲. مؤلف هر آیه‌ای را که مربوط به احکام بوده، آورده و از آیات تکراری یا آیاتی که ربطی به احکام نداشته، پرهیز کرده است.

۳. مؤلف ابتدا تمام آیه را ذکر می‌کند، برخلاف روش اردبیلی (۹۹۳ق) در زبدة‌البیان که هر فراز آیه را جداگانه آورده و به شرح آن پرداخته است.

۴. فاضل مقدار پس از ذکر تمام آیه، به شرح لغات و ترکیب و در بعضی از موارد به ذکر سبب نزول و پس از روشن شدن مضمون آیه، وارد احکامی

شده که از آیه شریفه استفاده می شود؛ در حالی که اردبیلی هر فراز آیه را جداگانه توضیح می دهد و در ذیل همان فراز، معنای لغات، ترکیب و احکام استفاده شده از آن را ذکر می کند.

۵. کنز العرفان فی فقه القرآن، علاوه بر آن که تفسیر آیات الاحکام است، دو خصوصیت دارد که کتاب هایی چون فقه القرآن و زبدة البیان ندارند: یکی آن که به آرای فقهی علمای اهل سنت توجه داشته است.

دیگر این که مؤلف در این کتاب دو مکتب تفسیری شیعه و اهل سنت را به خوبی نشان داده و در هر آیه که دو نظریه وجود داشته، به روش تفسیر مقارنه ای به بحث پرداخته است. نمونه بارز این ویژگی را در ذیل آیه شریفه ۶ مائده و ۲۲ نساء که درباره احکام وضو و تیمم است، می توان دید. نمونه دیگر در ذیل آیه شریفه ۵ سوره بینه است. وی پس از ذکر آیه: «و ما أمرُوا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین» فرموده:

بدان که شافعی و احمد و مالک در اشتراط نیت در طهارات، با ما موافقت کرده اند و اگرچه در کیفیت نیت با ما مخالف هستند، ولی ابوحنیفه نیت را به کسب طهارت با خاک یعنی تیمم اختصاص داده، نه غیر آن؛ زیرا خداوند فرموده: «فتیمموا صعیداً» و در غیر آن چنین نفرموده.

ولی حق، قول اول است؛ چون در روایات دلیل بر آن وجود دارد و در حدیث پیامبر اکرم (ص) آمده است: «انما الاعمال بالنیات»، و آمدن «الف و لام» بر سر جمع، مفید عموم است. ۶

۶. فاضل مقداد در ابتدای هر باب فقهی، عنوان باب را، در لغت و اصطلاح تعریف می کند؛ چنان که روش علامه حلی و شاگردان و پیروان او تکیه بر همین تعاریف و نقض و ابرام آنهاست. به عنوان مثال، فاضل مقداد در

ابتدای کتاب طهارت فرموده است: «طهارت در لغت به معنای پاکیزگی است، و شرعاً به نحو حقیقی، بر رافع حدث یا مبیح برای نماز اطلاق شده است».

به عقیده وی بهترین تعریف «طهارت» استعمال طهور مشروط بالنیة است.^۷
 ۷. فاضل مقداد در این تفسیر به منابع گوناگون توجه دارد. او بسیار مصرّ است که کلمات و سخنان «فاضل معاصر» را نقد کند. شیخ یوسف بحرانی (۱۱۸۶ق) در لؤلؤة البحرين و نیز علامه سید محمد باقر خوانساری (۱۳۱۳ق) در روضات الجنات گفته اند که مراد از فاضل معاصر، احمد بن عبدالله بن متوج بحرانی، صاحب تفسیری در آیات الاحکام با عنوان النهایه فی تفسیر الخمسمائة آیه است. آقا بزرگ تهرانی نیز مؤلف «نظام الاقوال» نقل می کند که هر جا کنزالعرفان فرموده: «قال المعاصر»، مراد همان احمد بن عبدالله بن متوج بحرانی است.^۸

۸. مصنف کنزالعرفان، در شرح لغات و ترکیب بر تفسیر الکشاف زمخشری تکیه دارد؛^۹ همان طور که به تفسیر طبری نظر دارد، و علاوه بر نقل، به نقد آن هم می پردازد؛ مثلاً در ذیل آیه ۲۲ سوره نساء: «ولانتکحوا مانکح آبائکم من النساء الا ما قد سلف انه کان فاحشة و مقتاً و ساء سییلاً» فرموده:

«طبری «ما» را در آیه مصدری دانسته و گفته: لا تنکحوا نکاح آبائکم، ای مثله؛ مثل نکاح های فاسد پدران خود نکاح نکنید و حتی سزاوار است برخلاف آنان عمل کنید. (برخلاف دیدگاه طبری، به عقیده من) «ما» موصول اسمی است و ضمیر مفعول، به سبب تخفیف، محذوف است و تقدیر آن چنین است: لا تنکحوا ما نکحه آبائکم.^{۱۰}

۷. همان/۶.

۸. الذریعه، ج ۲۴/۴۰۲.

۹. کنزالعرفان، ج ۲/۱۷۳.

۱۰. همان/۱۷۸.

تفاوت کنزالعرفان با زبدة البیان

از آن جا که این دو کتاب برترین کتاب های آیات الاحکام شیعه محسوب می شوند، هر کسی که در این باره مطلبی نوشته، از آنها متأثر بوده است. با وجود این، روش آن دو در موارد زیر با هم تفاوت دارد:

۱. فاضل مقداد به شهرت و اجماع بین فقها اهمیت فراوان می دهد و سعی می کند که از فتوای مشهور بین فقیهان دور نشود. پس در این جهت، نوعاً از محقق حلی و علامه حلی متأثر است؛ در حالی که علامه محقق اردبیلی هیچ ارزشی برای اجماع قائل نیست، تا چه رسد به شهرت در میان فقیهان. محقق اردبیلی خود را ملزم و تابع دلیل می داند، چه دلیل موافق مشهور باشد یا مخالف آن. به همین جهت در برداشت های ملاحمد اردبیلی از آیات و روایات تفرّد در فتوا پدید می آید.

به عنوان مثال، اگر چه مصدر اصلی در تفسیر فاضل مقداد، نص آیات قرآن است، اما مؤلف برای فهم آیات و تفسیر قرآن، به چند نکته نیز توجه دارد:

۱. به نصوص لغویان از جمله سخنان جوهری در صصاح اللغه توجه دارد. به عنوان مثال، در ذیل آیه شریفه «اقم الصلوة للذلوک الشمس» مطلبی را درباره معنای «ذلوک» از جوهری نقل کرده و گفته است: «الذلوک الزوال نص علی ذلک الجوهری».

این معنا در مقابل قول دیگر مفسران و غیر آنان است که «ذلوک» را به معنای غروب خورشید گرفته اند.

در معنای «غسق» هم دو قول در میان مفسران وجود دارد مبنی بر آن که «غسق» به تاریکی اول شب گفته شود یا به معنای شدت تاریکی در نیمه شب است؟ فاضل مقداد وجه اول را اختیار کرده و آن را به جوهری نسبت داده است.^{۱۱}

۲. مؤلف کنزالعرفان بر ترکیبات نحوی نیز توجه و عنایت داشته است؛

مثلاً در ذیل آیه «والمطلقات یتربصن بأنفسهن ثلاثة، قروء» فرموده:

قروء در لغت از مشترکات است که در دو معنای ضد هم استعمال می شود: هم به معنای طهر و هم به معنای حیض، ولی در آیه شریفه به معنای طهر به کار رفته است. شافعیه و امامیه آن را به معنای طهر دانسته اند، ولی ابوحنیفه گفته مراد حیض است.

فاضل مقداد می گوید:

مراد طهر است؛ زیرا ثلاثة قروء عدد مؤنث آمده است و در اعداد سه تاده، باید بین عدد و معدود مخالفت باشد و در این جا از تأنیث عدد می فهمیم که معدود، مذکر است؛ زیرا لفظ طهر در لغت مذکر است و لفظ حیض، مؤنث. ۱۲

گفتنی است که فقها طلاق را به دو قسم طلاق سنّی و طلاق بدعی تقسیم می کنند. طلاق سنّی در نزد شیعه طلاق است که در طهر باشد و دخول در آن نیز واقع نشده باشد.

اگر طلاق در حیض باشد، بنا بر رأی فقهای امامیه، باطل و حرام است؛ یعنی حرمت تکلیفی و وضعی دارد. ولی بنا بر قول شافعیه، مالکیه و حنابله، حرمت تکلیفی دارد، اما وضعاً صحیح است و احکام طلاق بر آن بار می شود. احناف گفته اند که چنین طلاقی به لحاظ تکلیفی و وضعی اشکالی ندارد. شمنی در حاشیه باب رابع کتاب مغنی اللیب این مطلب را نقل کرده است.

۳. سومین مصدر برای تفسیر آیات احکام در نزد فاضل مقداد، روایات است که عمده و محور بحث های فقهی است و شاید روایاتی که تفسیر قرآن را جز از طریق روایت جایز نشموده اند، ناظر به همین آیات الاحکام باشند؛ زیرا این آیات، بیشتر در معرض اقوال و آرای گوناگون هستند.

از جمله مواردی که فاضل مقداد، در تفسیر خود از روایات هم بهره گرفته،

آن است که وی در معنای «قرء»، روایتی را از امام باقر(ع) نقل می‌کند. ۱۳

البته مخفی نباشد که وی در فرض تعارض و اضطراب بین روایات، اصرار چندانی بر عمل به روایات ندارد، بلکه به ظاهر قرآن عمل می‌کند. نمونه این ادعا، بحث محارب است که در ذیل آیه شریفه محاربه مورد توجه قرار گرفته؛ زیرا در آیه محاربه، حکم محارب، به وسیله واژه «أو» ذکر شده، و این واژه، نص در تنويع و تقسیم است. از این رو، حاکم مخیر بین چهار حکم است. ولی بعضی از فقها بر اساس روایات حکم به ترتیب کرده‌اند و از جمله شیخ طوسی در تبیان قائل به ترتیب شده و برخلاف ظاهر قرآن، به روایات عمل کرده است. تفصیل مطلب در کتاب‌های فقهی و تفسیری ذکر شده است. ۱۴

قطب الدین راوندی صاحب فقه القرآن نیز فرموده که از آیه شریفه ترتیب استفاده می‌شود. هم‌آوایی راوندی با شیخ می‌رساند که او هم از پیروان و یا به قول سیدالدین حمصی از مقلدان شیخ طوسی است. ۱۵

فاضل مقداد می‌گوید ای کاش من می‌دانستم که راوندی از چه طریقی تفصیل را از آیه فهمیده است؛ در حالی که آیه صراحت در تغیر دارد و حق همان قول به تغیر است. ۱۶

مرحوم اردبیلی نیز در زبدةالبیان همین تفصیل را در روایات پذیرفته، ولی در کتاب مجمع الفائدة و البرهان، مدعی شده که روایات ترتیب اضطراب دارد و آنچه صحیح السند است، دلالت بر این مطلب ندارد و آنچه دلالت دارد، سند درستی ندارد. ۱۷

۱۳. کنز العرفان، ج ۱/ ۲۵۷.

۱۴. جواهر الکلام، ج ۴۱/ ۵۷۵؛ زبدةالبیان/ ۸۳۶؛ مجمع البیان، ج ۳/ ۱۸۸.

۱۵. الرعایه.

۱۶. کنز العرفان، ج ۲/ ۳۵۲.

۱۷. زبدةالبیان/ ۸۳۶.

نکته شایان توجه در این جا، دقت فراوان محقق اردبیلی در اسناد روایات است. فاضل مقداد چه در التفتیح الرائع و چه در کنز العرفان، دقت چندانی در این زمینه ندارد، بلکه بر پیروی از مشهور اصرار می ورزد و حتی مراسیل شیخ طوسی را نیز می پذیرد و معتقد است که مراسیل وی دو دسته است: دسته ای که متن روایت را نقل کرده، ولی سند آن را ذکر نکرده اند؛ دسته دوم روایاتی است که شیخ طوسی نه سند و نه متن حدیث را نقل کرده است، بلکه فتوا داده و آن گاه فرموده: «رواه أصحابنا»، و با این عبارت اشاره کرده که در این زمینه حدیثی وجود داشته است.

علما و فقها نوعاً هر دو بخش را جزء مراسیل دانسته و آنها را معتبر نهموده اند، ولی فاضل مقداد هر دو صورت را معتبر دانسته است.

اما محقق اردبیلی روایات را از نظر سندی بررسی می کند و ضمن نقل روایات، به اقوال گوناگون فقهای شیعه هم اشاره دارد و حتی متعرض اقوال نادر هم می شود. این در حالی است که فاضل کمتر به اقوال و روایات اشاره می کند.

به عنوان مثال، در ذیل آیه صوم، قول ابوالصلاح حلبی را مبنی بر حرمت سفر در ماه رمضان می آورد^{۱۸} و سپس می گوید:

و يمكن الجواب عن استدلاله بضعف الاخبار و بأن ابابصير
مشارك و أيضا أرسل عن أبي حمزة عنه في الفقيه فان كان
الشمالي كما هو الظاهر فالطريق على ما قيل قوي على تقدير
توثيق أبي بصير و ان كان البطائني فليس بقوي أيضا لأنه
مجهول و الظاهر أن ابابصير هو يحيى بن القاسم على ما نقل
في الكافي عن علي بن ابي حمزة عن أبي بصير و على هو قائد
أبي بصير يحيى فيحتمل سقوطه على ما في الفقيه. ^{۱۹}

۱۸. الكافي في الفقه / ۱۸۲.

۱۹. زبدة البيان / ۲۲۶.